

گستره حقوق حیوانات در اسلام و غرب^۱

(قسمت اول)

شیما پور محمدی
پژوهشگر

چکیده

انسان به عنوان اشرف مخلوقات در تمام ادیان آسمانی، از کرامت خاصی برخوردار است و حقوق و تکالیف زیادی دارد. سالهاست که جوامع مختلف به تدوین قوانینی از جنبه‌های مختلف حقوق انسانی پرداخته و هر روز مطلبی جدید به آن افزوده‌اند؛ حقوق کودکان، حقوق زنان، حقوق کارگران و

امروزه توجه جوامع به این مسأله جلب شده است که فقط انسانها از حقوق مختلف برخوردار نیستند، بلکه تمام آنچه روی زمین وجود دارد مانند کوهها، دریاها، حیوانات و گیاهان نیز دارای حقوقی می‌باشند. انسان تمام مخلوقات را زیر سیطره خود دارد و از آنها به نفع خود بهره‌برداری می‌کند؛ ولی آیا این تصرفات هیچ حد و حصری در قوانین مذهبی و اخلاقی ندارد و دست انسان برای هر نوع انتفاعی باز گذاشته شده است؟

این مقاله به بررسی حقوق حیوانات و حد مجاز تصرف و تسلط انسان بر حیوانات از دیدگاه قوانین اسلام، ایران و دنیا پرداخته، سعی می‌کند ابعاد قضیه را تا حد ممکن روشن سازد. آنچه از اسلام آمده تنها قطره‌ای از دریاست و بسی مایه شگفتی است که اسلام هزار و چهار صد سال پیش با لطافت و دقت به این مسأله پرداخته در حالی که انجمن‌های حمایت از حیوانات سراسر دنیا چند سالی پیش نیست که به این مسأله توجه کرده‌اند. به نظر می‌رسد در حقوق ایران نیز علیرغم پیشینه اسلام، به این مسأله توجه چندانی نشده است. بخش آخر مقاله در بر دارنده آزمایش‌ها و تحقیقاتی بر روی حیوانات در آزمایشگاه‌ها و تغییرات ژنتیکی آنها با بررسی یک نمونه جنجالی در دنیا (موش هاروارد) می‌باشد.

واژگان کلیدی

حقوق حیوانات، اسلام، قرآن، شبیه سازی، نفقه حیوانات، تغییرات ژنتیکی

قبل از ورود به بحث اصلی لازم است در مورد پیدایش حیات، جایگاه حیوانات از لحاظ زیست شناسی در شبکه حیات و تقدس حیوانات در فرهنگهای مختلف بررسی کوتاهی انجام دهیم. این بررسی در سه مقدمه کوتاه بیان می‌گردد.

پیدایش حیات در زمین

الف- نظریه تولید خود بخودی یا خلق الساعه بودن^۱

این تئوری توسط ارسطو ارائه شد و عده زیادی پس از وی معتقد بودند موجود زنده در شرایط خاصی از ماده غیر زنده تولید می‌شود؛ مثلاً منشأ مارماهی را لجن و منشأ عقرب را آجر مرطوب می‌دانستند. این نظریه در قرن نوزدهم با آزمایش‌هایی که دانشمندان انجام دادند، رد شد.

ب- نظریه کیهانی^۲

طرفداران این نظریه معتقد بودند که ماده زنده یا موجودات زنده در زمانهای دور از کرات دیگر به وسیله شهاب‌سنگها به زمین منتقل شده و در نقاط مختلف زمین، تمدنهای مختلف را به وجود آورده‌اند.

ج- نظریه اوپارین (تکاملی آلی)

اوپارین، دانشمند روسی (۱۹۶۳) معتقد بود زمین در زمان پیدایش ماده زنده، شرایط مناسبی برای ترکیب مولکولهای ساده و بوجود آوردن مولکولهای پیچیده حیاتی داشته است و این مولکولهای پیچیده منشأ اولیه حیات را تشکیل داده‌اند.

د- نظریه خلقت^۳

این نظریه نشأت گرفته از ادیان مختلف آسمانی و کتب متعلق به آنها هم چون انجیل و قرآن می‌باشد. طرفداران این نظریه معتقدند خالق خلقتهای مختلف را به

۱- Spontaneous Generations

۲- Csmic theory

۳- Creation

طور مستقل و در زمانهای مختلف بوجود آورده است. در این زمینه در قرآن کریم آیات متعددی به چشم می‌خورد.

خلقت زمین و موجودات در قرآن کریم

«همانا در خلقت آسمانها و زمین و رفت و آمد شب و روز و کشتی‌ها که به روی آب برای انتفاع خلق در حرکتند و بارانی که خدا از بالا فرو می‌فرستد تا به وسیله آن زمین را بعد از مردن، زنده گرداند و سبز و خرم کند و نیز در برانگیختن «انواع حیوانات» در زمین و در وزیدن بادهای به هر طرف و در خلقت ابر که میان زمین و آسمان مسخر است و به اراده خدا در حرکت است، در همه این امور برای عاقلان ادله‌ای واضح بر علم و قدرت و حکمت و رحمت آفریننده وجود دارد» (بقره، ۱۶۴).

خلقت انواع موجودات زنده

در زمینه انواع موجودات زمین از لحاظ نوع حرکت کردن آنها بر روی زمین چنین آمده است: «و خدا هر حیوان را از آب آفرید (و انواع گوناگون ساخت) که بعضی (مانند مارها) بر شکم روند و برخی (مانند انسان) بر دو پا و برخی بر چهار پا حرکت کنند و خدا هر چه خواهد بیافریند که خدا به قدرت کامله بر همه کار خلق تواناست» (نور، ۴۵).

دسته بندی انواع موجودات زنده از لحاظ زیست شناسی

از لحاظ زیست شناسی، همه محیط‌هایی که در آنها زندگی جریان دارد، محیط زیست نامیده می‌شود. در یک محیط زیست همه موجودات زنده به یکدیگر وابسته‌اند و این ارتباط بیشتر به علت احتیاج غذایی آنها به یکدیگر است. وابستگی موجودات زنده به یکدیگر موجب تشکیل زنجیره‌ها و شبکه‌های غذایی می‌گردد. بررسی دانشمندان نشان می‌دهد که همه موجودات زنده کره زمین یک شبکه غذایی بزرگ را تشکیل می‌دهند و همه به یکدیگر وابسته‌اند؛ این شبکه بزرگ را شبکه حیات می‌نامند.

موجودات زنده کره زمین را به چهار دسته اصلی تقسیم می کنند (امیری، ۱۳۷۹، ص ۲۹-۷۱):

تک زیان، آغازیان، گیاهان و جانوران

جانوران موضوع اصلی بحث ما هستند و دو دسته کلی بی‌مهرگان و مهره‌داران را تشکیل می‌دهند.

بی‌مهرگان عبارتند از: اسفنجها، کیسه‌تنان، کرمها، نرم‌تنان، بندپایان و خارپوستان.

مهره‌داران عبارتند از: ماهی‌ها، دوزیستان، خزندگان، پرندگان و پستانداران. مهمترین گروه مهره‌داران، پستانداران جفت‌دار می‌باشند که خود از چند گروه مختلف تشکیل شده‌اند: حشره‌خواران، چوندگان، خرگوشها، خفاشها، گوشته‌خواران، باله‌داران، آب‌بازان، پستانداران سم‌دار، پستانداران بی‌دندان و نخستیها. «نخستیها» پیشرفته‌ترین گروه موجودات زنده را از لحاظ تکاملی تشکیل می‌دهند؛ زیرا نمیکره‌های مخ در آنها رشد زیادی داشته و چین خورده است. این گروه شامل لمورها، میمون‌ها و نهایتاً آدمیان می‌شوند. آدمیان از لحاظ تکاملی عالی‌ترین جانداران روی زمین بعد از حیوانات هستند.

انسانها همواره سعی کرده‌اند با دخالت در طبیعت، تغییراتی به نفع خود ایجاد کنند که بسیاری مواقع موجب بهم ریختن نظم طبیعی شبکه‌ها و زنجیره‌های غذایی شده است. این تغییرات تا به جایی پیش رفته است که ساختار مولکولی موجودات زنده را نیز تغییر داده و توانسته است موجوداتی را با خواص و کیفیات جدید و مورد دلخواه انسان تولید کند. با این کار، گرچه خدمات مفیدی به جامعه بشری عرضه شده؛ مسأله این است که آیا سایر موجودات زنده از هیچ حقی در مقابل این تغییرات برخوردار نیستند و همه چیز در طبیعت باید در خدمت انسانها باشد؟

گسترش شهرها و نقل و انتقال انسانها از منطقه‌ای به منطقه‌ای دیگر موجب می‌شود بسیاری از موجودات یک منطقه از بین بروند و برخی دیگر که اوضاع جدید برایشان مساعدتر است زیاد شوند.

از آن جا که انقراض نسل برخی حیوانات و بهم خوردن نظم طبیعی چرخه حیات موجب بروز مشکلات جدی حتی برای خود انسانها می‌شود، کم‌کم گروه‌ها و سازمانهای ملی و بین‌المللی به حمایت از گونه‌های مختلف جانداران پرداخته‌اند.

اندیشه های باستان در مورد حقوق حیوانات

در فرهنگهای باستانی حیوانات از لحاظ تقدس و ارزش در طبقات مختلفی قرار می‌گرفتند و هر کدام نماد اسطوره‌ای بودند. به عنوان مثال «پرندگان» همواره در شمار جانداران ارجمند بودند مردمان قدیم پرندگان را آفریدگانی فراسوی و از گونه‌ای دیگر می‌پنداشتند.

در این فرهنگها، مرغان شکاری تیز پرواز از ارزش آیینی و نمادین بیشتری برخوردار بودند. مثلاً «شاهین» از دید «نماد شناسی اسطوره» برجسته‌تر و ارجمندتر از دیگر مرغان بود و ایرانیان، یونانیان و رومیان سرشت شاهین را از آتش می‌دانستند.

ایرانیان باستان «کلاغ» را پرنده مهر و سروش می‌دانستند و ژرمنهای باستان، کلاغ را یار و همراه خدای خویش، «اودین» می‌انگاشتند. (کزازی، ۱۳۶۸، ص ۷۲-۷۳) «سیمرغ» نیز بسیار مورد توجه ایرانیان بود. آن را در شمار مرغان خورشیدی می‌آوردند و معتقد بودند که سیمرغ، «جان جانان» است و جانهای پاکیزه و پیراسته با رسیدن به سیمرغ، به خدا می‌رسند.

امروزه در قونیه معتقدند لحظه‌ای که آهوپی به دنیا می‌آید، نوری مقدس زمین را روشن می‌کند. در برخی فرهنگها، آهو را نماد فرزندی دانسته‌اند و شکار آهو، نماد جستجوی فرزندی است (شوالیه، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۳۱۲-۳۱۳).

در ایران باستان نیکی به حیوانات سودمند از وظایف اصلی بوده است. در تاریخ نقل شده بهرام گور از پادشاهان ساسانی کوشش‌های فراوانی در جهت توسعه پرورش اسب و اسب‌دوانی می‌کرد و انوشیروان به دامپروری علاقه فراوانی داشت.

نیکی و ترحم به حیوانات در آئین مزدیسنا که در زمان ساسانیان رواج داشت، اهمیت زیادی داشته و در این مورد در رساله پهلوی «ارداویرافنامه» که در زمان ساسانیان نوشته شده نکات جالبی دیده می‌شود. ارداویراف موبدی که سفری به

بهشت و دوزخ کرده و مردمان را از پاداش و عذاب در جهان دیگر با خبر می‌کند سزای آنان را که نسبت به حیوانات بد رفتاری می‌کنند عذاب دوزخ و پاداش کسانی که به حیوانات نیک رفتاری می‌کنند سعادت ابدی می‌داند (تاج بخش، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۳۳۵).

در ادیان مانی و مزدک نیز برای حیوانات اهمیت خاصی قائل بودند. مانی مردی ایرانی و دین او دین آمیخته از آیین زرتشت، مسیح و احتمالاً سایر ادیان زمان بود. برگزیدگان یا روحانیان این آیین از خوردن گوشت و هر گونه آزار رسانیدن به حیوانات و گیاهان به شدت امتناع می‌کردند.

در رساله شایست ناشایست که از کتب پهلوی پیش از اسلام است که تاکنون باقی مانده، از کشتار بیهوده حیوانات به شدت نهی شده است. در این کتاب می‌خوانیم هر کس بیهوده حیوانات را بکشد، در آن جهان عذابی دردناک خواهد داشت و هر که به حیوانات نکویی کند و امکان زاد و ولد آنها را فراهم آورد، مورد لطف ایزدی قرار خواهد گرفت (ممو، ص ۳۳۸). در زراتشت نامه نیز از قول زرتشت توجه و مهربانی به حیوانات توصیه شده است.

در متون اوستایی از جمشید به عنوان نجات‌دهنده حیوانات بسیار یاد شده است. جمشید به معنای «پرتو ماه» است، برخی او را برادر طهمورث و فردوسی او را پسر طهمورث می‌داند. به قول طبری، او وسایل اهلی کردن حیوانات را ابداع کرد و در صنعت ابریشم و دیگر رشتنی‌ها تبحر داشت و بفرمود تا لباس بیافند و رنگ کنند. زین و پالان را ابداع کرد تا به کمک آن چهار پایان را رام کنند و به اطاعت در آورند.

در اوستا، جمشید دارنده گله‌های فراوان است و حیوانات را از شر گرسنگی و بی‌علوفگی می‌رهاند (تاج بخش، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۳۳۷).

آریاییان ایران و هند به وجود خدایان و فرشتگان متعددی برای هر چیز قائل بودند. از جمله خدایانی بودند که بر حیوانات تأثیر اساسی داشتند، مانند «اوشس» که نگهدارنده گاوان بود و «سویتری» که خدای آفتاب و زنده کننده و زاینده بود و روشنایی را به بشر هدیه می‌کرد و همه اینها یادآور «میترا» و «مهر» هستند که در سنت آریایی و مخصوصاً ایرانیان نگهبان گله اسبان و نشخوارکنندگان و بخشنده قدرت باروری به حیوانات ماده و زنان بود «ویشنو» خدای محافظ و

مظهر نیروی آفتاب، صاحب گاوان شیرده و چراگاه‌های حاصلخیز بود و در خدمت مردم قرار داشت. «ریشودوا» که روح همه خدایان بود، کمال محبت و عنایت را به همه موجودات از جمله گاو و گوساله داشت. در اوپانیشاد هندوان رعایت حیوانات و آزار نرساندن به آنها با بیانی شاعرانه توصیف شده و از شیرگاو، برداشت عرفانی در جهت وحدت وجود هست و اشاراتی هم به رنگ‌های گاو در آن دیده می‌شود.

در فرهنگ اوستایی و پهلوی هر یک از روزهای ماه‌های ایرانی نام مخصوصی داشت که هر کدام نام یکی از فرشتگان بود. روز چهاردهم هر ماه را جوش یا گوش می‌گفتند. ابوریحان بیرونی در مقابل روزگوش عدد «پر» را قرار می‌دهد که به حروف ابجد برابر ۱۴ هست که همان چهاردهم ماه می‌باشد. در این روز دعای مخصوص در «واسپارا» می‌خواندند و سلامت حیوانات را آرزو می‌کنند. مسأله گوش‌روز در فرهنگ اسلامی نیز وارد شده است. چنان که ملامحسن فیض کاشانی رساله‌ای در نقل روایت «معلی بن حنفیس» از امام صادق (علیه السلام) راجع به نوروز و سی روز ماه پارسیان تألیف کرده است.

فیض کاشانی در این رساله سی روز ماه را با ذکر نام پارسی آن ذکر کرده، در هر مورد راجع به فرشته صاحب نام مطلبی گفته و کارهایی که انجام دادن آنها در هر یک از این روزها پسندیده یا ناپسند است یاد کرده است. در این رساله در مورد روز چهاردهم ماه گفته شده است:

«چهاردهم حوس، نام فرشته‌ایست موکل بر آدمیان و چهارپایان، فارسیان می‌گویند روزی سبک است و ما می‌گوییم روز خوبی است برای هر چه خواهد، و دیدن شرفا و علما برای حاجت خواستن در این روز خوبست و هر کس در این روز بیمار شود به زودی شفا یابد» (تاج بخش، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۲۱۳-۲۱۵).

بررسی حقوق حیوانات در اسلام الف- مبانی حقوق حیوانات در قرآن کریم

در قرآن کریم آیات متعددی در مورد حیوانات دیده می‌شود که بارها به این موضوع اشاره کرده‌اند که حیوانات نشانه قدرت الهی و مایه‌ی عبرت بشر هستند و در آنها منافع بی‌شماری برای انسانها قرار داده شده است.

۱- تدبّر در خلقت چهارپایان و حیوانات اهلی

اولم یروا انا خلقنا لهم مما عملت ایدینا انعاماً فهم لها مالکون و ذللتنا لهم فمنا رکوعهم و منها یاکلون و لهم فیها منافع و مشارب أفلا یشکرون؟ «آیا آنها ندیدند که از آنچه با قدرت خود به عمل آورده‌ایم چهارپایانی برای آنها آفریدیم که آنان مالک آن هستند؟ آنها را رام ایشان ساختیم، هم مرکب آنان از آن است و هم از آن تغذیه می‌کنند. و برای آنان منافع دیگری در آن حیوانات است و نوشیدنیهای گوارایی، آیا با این حال شکرگزاری نمی‌کنند؟» (یس، ۷۱-۷۳).

وان لکم فی الانعام لعبرۃ نستیکم مما فی بطونها و لکم فیها منافع کثیره و منها تاکلون؛ «همانا برای شما در مطالعه حال چهارپایان و حیوانات اهلی عبرتی هست که از شیر و گوشت و پوست خود به شما بهره می‌دهند و بسیاری منافع دیگر برای شما دارند و از گوشت و شیر آنها تناول می‌کنید» (مؤمنین، ۲۱).

خداوند در آیات متعدد از انسان می‌خواهد که در آیات الهی و از جمله خلقت خود و حیوانات تدبّر کنند. برای مثال در سوره غاشیه آمده است: *افلا ینظرون الی الابل کیف خلقت؛* «آیا به شتر نمی‌نگرند که چگونه آفریده شده است» (غاشیه، ۱۷). خداوند متعال در امثال این آیات مردم را به شناختن حیوانات، و تفکر در کیفیت خلقت آنها و کارهایی که می‌کنند ترغیب نموده و در آیات دیگر، انسانها را به عبرت گرفتن از بعضی از آنها مانند چهارپایان، پرندگان، مورچگان و زنبوران عسل دعوت کرده است.

آیات ۵ تا ۸ سوره نحل نیز به منافع حیوانات اشاراتی جالب و شگفت‌انگیز دارد. بطوری که پس از بیان برخی منافع مادی چهارپایان از جمله تهیه پوشش و خوراک، روی جنبه استفاده روانی از آنها نیز تکیه کرده می‌گوید: *ولکم فیها جمال حین تریحون و حین تسرحون؛* «در این حیوانات برای شما زینت و شکوهی است به هنگامی که آنها را به استراحتگاهشان باز می‌گردانید و هنگامی که صبحگاهان به صحرا می‌فرستید» (نحل، ۵-۸).

در تفسیر این آیه آمده است که منظره جالب حرکت دسته جمعی گوسفندان و چهارپایان به سوی بیابان و چراگاه، سپس بازگشتشان به سوی آغل و استراحتگاه که قرآن از آن تعبیر به «جمال» کرده تنها یک مسأله ظاهری و تشریفاتی نیست، بلکه گویای این حقیقت است که چنین جامعه‌ای خودکفاست، این در واقع «جمال استغناء و خودکفایی جامعه» است، جمال تولید و تأمین فرآورده‌های مورد نیاز یک ملت و همان استقلال اقتصادی و ترک هر گونه وابستگی است... (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۱۱، ص ۱۵۹-۱۶۰).

سوره نحل اسرار شگفت‌انگیزی در مورد زنبور عسل بیان می‌کند. زنبوران عسل دارای زندگی بسیار منظم توأم با برنامه‌ریزی و تقسیم کار و مسؤولیت هستند. کندو پاکترین، منظم‌ترین و پرکارترین شهرهای دنیاست که از تمدن درخشانی برخوردار است و شاید تنها دلیلی که برای این همه نظم و همکاری بتوان آورد، در همین آیه خلاصه می‌شود که: «پروردگار تو به زنبور عسل وحی فرستاد که از کوهها و درختان و داربست‌هایی که مردم می‌سازند خانه‌هایی برگزین سپس از تمام ثمرات تناول کن و راههایی که پروردگارت برای تو تعیین کرده به راحتی بپیما. از درون شکم آنها نوشیدنی خاصی خارج می‌شود به رنگهای مختلف، که در آن شفای مردم هست، در این امر نشانه روشنی است برای آنها که اهل فکرند!» (نحل، ۶۷-۶۸).

۲- تکامل و حشر حیوانات در قیامت

برخی آیات قرآن به تکامل و حشر و رستاخیز حیوانات اشاره کرده‌اند که جای سؤال و بحث فراوانی را برمی‌انگیزد، چرا که لازمه رستاخیز و حساب و جزا، مسأله عقل و شعور و تکلیف و مسؤولیت است، آیا حیوانات هم دارای سطحی از شعور و ادراک هستند که رستاخیز داشته باشند؟

سوره انعام در این زمینه می‌گوید: *وما من دابة فی الارض ولا طائر یطیر بجناحیه الا امم امثالکم ما فرطنا فی الکتاب من شیء ثم الی ربهم یحشرون؛* «محققاً بدانید که هر جنبنده در روی زمین و هر پرنده که به دو بال در هوا پرواز می‌کند، همگی طایفه‌ای مانند شما نوع بنی بشر هستند. ما در کتاب آفرینش هیچ چیز را فروگذار نکردیم. سپس همه به سوی پروردگار خود محشور می‌شوند» (انعام، ۲۸).

در مورد این آیه تفاسیر زیادی نقل شده است. مرحوم علامه طباطبائی (ره) در بحث مبسوطی ذیل آیه، شباهت اجتماعات حیوانی را به انسانی از نظر کثرت و عدد، هدفداری و حتی دارا بودن نوعی از زندگی ارادی و شعوری مطرح کرده، می‌نویسند «تفکر عمیق در اطوار زندگی حیوانی که ما در بسیاری از شؤون حیاتی خود با آنها سر و کار داریم و در نظر گرفتن حالات مختلفی که هر نوع از انواع این حیوانات در مسیر زندگی به خود می‌گیرند، ما را به این نکته واقف می‌سازد که حیوانات هم مانند انسان دارای عقاید و آراء فردی و اجتماعی هستند. حرکات و سکناتی که آنها در راه بقا و جلوگیری از نابود شدن نشان می‌دهند همه بر مبنای آن عقاید است (طباطبائی، بی تا، ج ۷، ص ۱۰۳).

در اجتماعات حیوانی هم مانند اجتماعات بشری فطرتاً ماده و استعداد پذیرفتن «دین الهی» وجود دارد. همان فطرتی که در بشر سرچشمه دین الهی است وی را برای حشر و بازگشت به سوی خدا، قابل و مستعد می‌سازد، در حیوانات نیز هست».

در تفسیر نمونه ضمن بیان زندگی شگفت‌انگیز زنبور عسل و مورچه، وفای حیوانات به صاحب خود و تربیت‌پذیری آنها برای مقاصد انسانی آمده است «در آیات متعددی از قرآن، مطالبی دیده می‌شود که دلیل قابل ملاحظه‌ای برای فهم و شعور بعضی از حیوانات محسوب می‌شود، داستان فرار کردن مورچگان از برابر لشکر سلیمان، داستان آمدن هدهد به منطقه سبا و یمن و آوردن خبرهای هیجان‌انگیز برای سلیمان شاهد این مدعا است» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۵، ص ۲۲۶-۲۲۵).

در روایات اسلامی نیز احادیث متعددی در زمینه رستاخیز حیوانات دیده می‌شود. از جمله در «تفسیر المنار» روایتی از طریق اهل تسنن نقل شده که پیامبر (ﷺ) در تفسیر آیه مورد بحث فرمودند: *ان الله يحشر هذه الامم يوم التيامه و يتنص من بعضها لبعض، حتى يتنص للجماء من القرناء؛* «خداوند تمام این جنبنندگان را در روز قیامت برمی‌انگیزاند و قصاص بعضی را از بعضی می‌گیرد. حتی قصاص حیوانی را که شاخ نداشته و دیگری بی‌جهت به او شاخ زده است، از اولی خواهد گرفت». همچنین از ابودر نقل شده که گفت: ما خدمت پیامبر (ﷺ) بودیم که در پیش روی ما، دو بز به یکدیگر شاخ زدند. پیامبر (ﷺ) فرمود: می‌دانید چرا اینها به یکدیگر

شاخ زدند؟ حاضران عرض کردند: نه. پیامبر (ﷺ) فرمود: اما خدا می‌داند چرا و به زودی در میان آنها داوری خواهد کرد (همو).
آیاتی همچون «وَاذِ الْوَحْشِ حَشْرَتًا» (تکویر، ۵) و «ثُمَّ اِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ» (انعام، ۲۸) نیز تأکیدی دیگر بر حشر و رستاخیز حیوانات است.

ب - ضرورت نفقه حیوانات در فقه اسلام

در اسلام، از مهمترین حقوق حیوان بر صاحبش، تأمین وسیله زندگی حیوان است؛ به طوری که در برخی کتب فقهی، یکی از مصادیق صدقات، غذا دادن به حیوانات نظیر حیوانات آبی معرفی شده و برای آن ثواب بسیاری زیادی ذکر گردیده است که نشان از اهمیت دادن اسلام به مسأله نفقه و غذای حیوانات دارد.
آنچه که در اسلام موجب وجوب نفقه بر ذمه انسان می‌شود، سه چیز است:
۱- زوجیت؛ ۲- قرابت؛ ۳- ملکیت (ملک). بنابراین هر جاندار که در اختیار کسی قرار بگیرد، باید نفقه‌اش توسط مالک پرداخت گردد. البته این حکم حقوق هر حیوانی را اعم از اینکه گوشتش خوردنی باشد یا نه، و به نحوی از انحاء قابل بهره‌برداری باشد یا نه، شامل می‌شود (نجفی، بی تا، ج ۳۱، ص ۳۹۴). در متون فقهی در مورد نفقه حیوانات آمده است که: اگر کسی حیوانی را مالک شود، رسیدگی و نفقه آن حیوان بر او است؛ خواه حلال گوشت باشد یا حرام گوشت. پرنده و غیر پرنده نیز فرقی ندارد. زیرا هر کدام برای خود حرمتی دارند... اگر آن حیوان حلال گوشت باشد، صاحبش مخیر است بین سه چیز:
۱- غذا؛ ۲- ذبح؛ ۳- فروش. و اگر حرام گوشت باشد مالک آن بین دو راه مخیر است: ۱- غذا؛ ۲- فروش (نائینی، ۱۳۷۸، ص ۴۸).

گستره نفقه حیوانات در فقه

در زمینه نفقه حیوان چند مسأله قابل توجه است:

الف - نفقه حیوان شامل چه مواردی است؟

نفقه و وسایل زندگی حیوان اعم است از خوراک، آشامیدنی، مسکن، دارو و هر ماده ضروری معیشت و ادامه حیات. اگر حیوان بتواند در مراتع و دیگر جایگاه‌های قابل تغذیه زندگی خود را تأمین کند، مالک حیوان می‌تواند آن را برای

چریدن و آشامیدن رها کند و اگر حیوان نتواند از آن جایگاه‌ها زندگی خود را تأمین کند، واجب است مالک وسایل معشیت حیوان را فراهم کند. همچنین اگر حیوان نتواند به حد کافی تغذیه خود را اداره کند، واجب است مالک بقیه تغذیه او را به حد کفایت تأمین نماید (نجفی، بی تا، ج ۳۱، ص ۳۹۴).

ب - وظایف مالک و حاکم در زمینه نفقه حیوان چیست؟

اگر صاحب حیوان از انجام وظایف خود و اداره حیوان خودداری کند، حاکم نخست او را ارشاد و مجبور به اداره زندگی حیوان می‌کند. اگر صاحب حیوان از اطاعت حاکم ترمد کند، حاکم باید راه دیگری انتخاب کند که حیوان را از فشار زندگی نجات بدهد؛ مانند فروش حیوان یا ذبح آن. در صورتی که گوشتش قابل خوردن باشد، یا رها کردن حیوان تا دیگران معیشت آن را به عهده گیرند. منتهی اگر رها کردن حیوان موجب مزاحمت تصرف کنندگان باشد، حاکم می‌تواند حیوان را یکباره یا تدریجاً بفروشد و قیمت آن را به صاحب مال بدهد (جعفری، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۱۶-۱۱۷).

اگر زندگی حیوان با یکی از راههای فوق تأمین نگردد، حاکم به جای صاحب مال اقدام به تأمین زندگی حیوان می‌نماید و به هر نحوه که وضع حیوان مقتضی است و امکانات موجود برای رهایی آن اجازه می‌دهد، عمل می‌کند.

در صورت امتناع صاحب حیوان، حاکم می‌تواند از سایر اموال صاحب حیوان فروخته، معیشت حیوان را تأمین کند و اگر تأمین زندگی با اجاره دادن حیوان امکان‌پذیر باشد، حاکم می‌تواند آن را به اجاره بدهد (همو).

صاحب جواهر می‌گوید: به مجرد اینکه صاحب حیوان از اداره زندگی حیوان امتناع بورزد و هیچ راهی را برای رهایی جاندار انتخاب نکند، حاکم مجبور نیست که صاحب حیوان را به اداره زندگی حیوان اجبار نماید، بلکه به جهت ولایتی که دارد، اقدام به تأمین حیات جاندار می‌نماید (نجفی، بی تا، ج ۳۱، ص ۳۹۴).

اگر مواد معیشت حیوان نزد صاحب حیوان وجود نداشته باشد و شخص دیگری آن مواد را داشته باشد، واجب است که صاحب حیوان آن مواد را بخرد و اگر صاحب ماده از فروش آن امتناع بورزد، جایز است صاحب حیوان در موقع ضرورت آن را با ضمانت مثل همان ماده یا قیمت آن غصب کند، چنان‌که غصب

ماده ضروری معیشت برای انسان جایز است. البته غصب ماده ضروری معیشت برای ابقای حیوان هنگامی جایز است که خود صاحب آن ماده یا حیوانی که در اختیار اوست، احتیاج حیاتی به آن ماده نداشته باشد.

مالک موظف است علاوه بر نفقه خود حیوان، مراقب تأمین وسایل ادامه حیات بچه حیوان نیز باشد. بنابراین اگر جاندار بچه شیرخوار داشته باشد، باید به اندازه کفایت تغذیه بچه، شیر در پستان مادر نگهداری شود. لذا اگر شیر مادر فقط به اندازه احتیاج تغذیه بچه‌اش بوده باشد دوشیدن شیر مادر حرام است، البته اگر دوشیدن شیر حیوان ضروری به حیوان یا بچه‌اش نرساند یا اگر بچه از علف بیابان تغذیه کند، دوشیدن شیر واجب است، زیرا در غیر این صورت مال مفید اسراف می‌شود (حلی، ۱۴۱۱ هـ ص ۳۵۴).

همچنین لازم است مقداری از عسل در کندو بماند تا زنبوران گرسنه نمانند و در صورت احتیاج مانند فصل زمستان مستحب است که بیش از قوت او در کندو نگهدارند.

همچنین فقها تصریح کرده‌اند که چون زندگی کرم ابریشم بسته به برگ توت است، لازم است که مالک حیوان را حفظ کند و نگذارد تلف شود و اگر برگ کم باشد و مالک اعتنایی به حیوان نکند، حاکم از مال مالک می‌فروشد و برای حیوان برگ می‌خرد (فریونی، بی تا، ص ۲۵۱).

در مواردی که وسیله حیات به یکی از چند حیوان کفایت کند به طوری که یکی از آنها با آن وسیله بتواند نجات پیدا کند و بقیه هلاک شوند مانند اینکه مقداری آب باشد که فقط یکی از حیوانات را بتواند نجات بدهد، فرض بر دو گونه است:

الف- در صورتی که حیوانات از همه جهات حیاتی مساوی باشند، مکلف در به کار بردن وسیله حیات برای ادامه زندگی هر یک از این حیوانات مخیر است.

ب- حیواناتی که از همه جهات مساوی نبوده باشند، مانند سگ غیر مضر و گوسفند، بدان جهت که پایان دادن به حیات گوسفند با ذبح شرعی امری است قانونی ولی مردن سگ از تشنگی خلاف قانون است، لذا آب به سگ داده می‌شود تا بدون علت هلاک نشود. با نظر به ملاک فوق مثلاً اگر جاندارى بتواند تا دو روز

از تشنگی هلاک نشود. مانند شتر، ولی جاندار دیگر تا آن مدت نتواند دوام بیاورد، مسلم است که آب را به جاندار دوم باید داد (جعفری، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۱۹-۱۱۸).

تقدم حق حیات حیوان بر طهارت مائیه

در قانون، اسلام عبادات پس از اصول دین تقدم دارد و در میان عبادت نماز چنان اهمیتی دارد که فقها فرموده‌اند در هیچ احوالی از مردان ساقط نمی‌شود. یکی از مقدمات نماز طهارت است به طوری که نماز بدون طهارت را نمی‌توان نماز شمرد. حال اگر مقداری آب که کفاف طهارت و رفع تشنگی حیوان را بکند، موجود نباشد، بلکه برای یکی از این دو عمل کفایت کند، در این گونه مواقع مزاحمت میان عبادت و حق حیوان ایجاد می‌شود و به عبارتی دو واجب با هم مزاحمت پیدا می‌کنند.

و جوب طهارت از جهت صلوه و وجوب آب دادن به حیوان. ولی فقها تماماً و بالاجماع در این جا فتوای تبدیل طهارت مائیه به ترابیه داده‌اند و فرموده‌اند آب را باید برای حیوان استعمال کرد و برای نماز تیمم نمود. از جمله حضرت امام (ره) در زمینه مجوزات تیمم، می‌فرمایند: «از آن جمله اینکه استعمال آب موجب خوف عطش بر حیوان محترمی (مثلاً گوسفند) باشد...»
و همچنین در مسأله ۱۱ می‌فرمایند: «... در عطش که موجب هلاکت است، فرقی نیست بین آنکه خوف هلاکت بر خودش باشد یا دیگری، آن دیگری انسان باشد یا حیوان، مملوک باشد یا غیر مملوک از آنچه که حفظ آن از هلاکت واجب است...» (اسلامی، بی تا، ج ۱، ص ۱۸۵).

اهمیت دادن به نفقه حیوانات در سیره بزرگان

امام ششم (ع) می‌فرماید: عیسی بن مریم از کنار دریا عبور می‌کردند. گرده نان خود را به آب انداخت. یارانش عرضه داشتند: یا روح الله چرا نان خود را به آب انداختی که قوت روزانه شما بود؟
عیسی بن مریم فرمودند: برای حیوانات دریا کردم و ثواب آن نزد خداوند بزرگ است. همچنین در «مناقب» امام احمد بن حنبل روایت شده که وی را گفتند مردی در ماوراء النهر می‌باشد که احادیث ثلاثیه (سه جمله‌ای) را داراست. احمد

به جانب ماوراء النهر رفت و آن مرد را دیدار نمود. مردی کهنسال دید که سگی را غذا می‌داد. سلامش کرد؛ پیر جواب سلام بداد و باز به کار خود مشغول شد. امام احمد را گران آمد که چرا او به سگ توجه دارد اما به من التفات نمی‌کند. چون شیخ از غذا دادن سگ فارغ شد، به امام احمد اقبال نمود و گفت مثل اینکه ناراحت شدی که بر سگ توجه کردم و بر شما نه. احمد گفت: آری چنین است. شیخ گفت: ابوزناد از اعرج از ابی هریره مرا حدیث نمود که پیغمبر فرمود: هر که آرزوی آرزومندی را قطع کند، خداوند آرزوی او را در روز قیامت قطع کند و در بهشت جای ندهد. و در این زمین ما سگ یافت نشود و این سگ به امید من به این جا آمده است. من می‌ترسیدم امید این سگ را قطع کنم و خداوند آرزوی مرا در روز قیامت قطع کند. امام احمد حنبل گفت: این حدیث مرا کفایت است و برگشت (فریدونی، بی تا، ص ۲۸۳-۲۸۲).

حد مجاز تصرف انسان در حیات حیوانات

اینکه انسان از نظر اخلاقی و دینی تا چه حد مجاز به تصرف در حیات حیوانات و موجودات زنده است، مسأله مهمی است که در احادیث و روایات بدان توجه زیادی شده است. اهمیت این بحث در حال حاضر بیش از گذشته به چشم می‌خورد چرا که استفاده از حیوانات در تحقیقات علوم پزشکی جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است.

امروزه بدون انجام دادن آزمایش‌های مقدماتی بر روی حیوانات، کمتر می‌توان روش‌های جدید را درباره انسان بکار بست. در واقع حیوانات عسای دست محققان علوم پزشکی و زیستی هستند. چنان که در مورد بیماریهایی که برای آنها مدل حیوانی وجود ندارد، تحقیقات با اشکال زیادی مواجه می‌شود. اما حد مجاز این تصرفات مسأله مهمی است که از دیدگاه اخلاق در پژوهش باید به آن توجه کرد. با توجه به اصل «عبث نبودن جهان خلقت» و احادیث منقول از ائمه معصومان و سیره آنان به نظر می‌رسد تصرف انسان در حیات موجودات مطلق نیست و سلب حیات از آنان باید در حد ضروریات باشد (نائینی، ۱۳۷۸، ش ۲۶، ص ۴۷).

حق حیات حیوانات در حقوق اسلام

احادیث و روایاتی در نهی از کشتن بیهوده حیوانات نقل شده که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

من قتل عصفوراً بغیر حق سألہ اللہ عنہ یوم القیامہ؛ «کسی که گنجشکی را به غیر حق بکشد، خداوند روز قیامت از او سؤال خواهد کرد» (همو).

عن النبی صلی اللہ علیہ و آلہ انه نہی عن قتل کل ذی روح الا ان یوذی؛ «از رسول نقل شده که ایشان نهی می‌فرمودند از قتل هر موجودی که روح دارد مگر آنکه جوازی برای آن کار باشد» (نائینی، ۱۳۷۸، ش ۲۶، ص ۴۷).

پیامبر ﷺ: لعن اللہ من مثل بالحویوان؛ «خداوند لعنت کند کسی را که حیوان را مثله کند» (همو).

همچنین از پیامبر ﷺ نقل شده که فرمود «در شبی که به معراج رفته بودم بر آتش جهنم گذری داشتم. زنی را در حال عذاب دیدم. از علت عذاب پرسیدم. گفته شد گربه‌ای را بسته بود و آب و غذایش نمی‌داد و اجازه استفاده از خس و خاشاک زمین را هم به او نمی‌داد تا گربه به هلاکت رسید. پس خدا به واسطه آن عمل ناشایست عذابش می‌کند». بر طبق این روایات به نظر می‌رسد اگر ایذاء و آزاری از سوی حیوانات متوجه انسان نبوده یا ضرورتی متوقف بر آن نباشد، انسان مجاز به کشتار حیوانات نیست. بنابراین در آزمایشهای پزشکی که ضرورت دارد آزمونهای مقدماتی بر روی حیوانات آزمایشگاهی صورت گیرد باید به نحوی برنامه‌ریزی شود که حداقل تلفات حیوانی ایجاد گردد و از کشتار غیر ضروری حیوانات جلوگیری به عمل آید.

همچنین اگر به ناچار لازم باشد که حیوانی کشته شود، باید از مرگ توأم با قساوت و بی‌رحمی خودداری گردد و نیز باید مراقب بود که کثرت کار با حیوانات در آزمایشگاه‌ها و ... سبب بی‌رحمی و قساوت انسان نشود و به مرگ بی‌رحمانه و مثله کردن حیوانات نینجامد (همو).

محدودیت ها در بهره برداری از حیوانات

بشر از حیوانات در راههای گوناگون منتفع می‌شود؛ از جمله در سواری، خوراک، پوشاک و ... اسلام حتی در این نوع بهره‌برداریها هم حد و مرزی برای انسان قائل شده است. از جمله محدودیتهایی که در آنها رعایت حقوق حیوانات مد نظر واقع شده است، عبارتند از:

الف - محدودیت در دوشیدن شیر

۱- اگر جاندار بچه شیرخوار داشته باشد باید به اندازه کفایت تغذیه بچه شیر در پستان مادر نگهداری شود. لذا اگر شیر مادر فقط به اندازه احتیاج تغذیه بچه‌اش باشد، دوشیدن شیر مادر حرام است. بعضی از فقهای اهل سنت گفته‌اند: آنچه که واجب است نگهداری شیر به اندازه رمق بچه است؛ یعنی فقط زنده ماندن بچه حیوان کافی است. صاحب جواهر می‌گوید: ضعف این فتوی روشن است.

۲- اگر دوشیدن شیر برای حیوان ضرر داشته باشد، مانند اینکه حیوان نتواند از تغذیه کافی اشباع شود، حرام است (جعفری، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۱۹).

ب- محدودیت در برداشت عسل از کندو: باید مقداری از عسل در کندو بماند تا زنبوران گرسنه نمانند و در صورت احتیاج مانند فصل زمستان مستحب است که بیش از قوت او در کندو نگه دارند (همو، ص ۱۱۸).

ج - محدودیت در سواری گرفتن و بارکشیدن: ابوذر از پیامبر اکرم (ﷺ) نقل کرده که هیچ حیوانی نیست مگر آنکه هر صبحگاه از خداوند می‌خواهد خدایا مالکی به من عطا کن که مرا به علف سیر کند و از آب بنوشاند و بیش از طاقتم بر من تکلیف نکند (فریبونی، بی تا، ص ۱۵۰).

سکونی از امام ششم (علیه السلام) نقل می‌کند که حضرت فرمود: حیوان را بر صاحبش حق است... [از جمله] بیش از طاقت بار نکند و پشت حیوان را کرسی گفتگو قرار ندهد

و باز از پیامبر اکرم (ﷺ) نقل شده که حضرت فرمود: حیوان را بر صاحبش حقوقی است [از جمله] بر پشت حیوان به جز برای خدا درنگ نکند و بیش از

طاقت حیوان بر حیوان بار نکند و بیش از توانایی اش او را به سیر و سفر وادار نکند ...

ابوهریره از پیامبر (ﷺ) نقل می‌کند که حضرت فرمود: پشت حیوان را تخت قرار ندهید چه خداوند حیوان را برای شما مسخر نموده است؛ بقدری سوار شوید که رفع حاجت شود، اگر کجاوه یا بار در پشت حیوان است، مواظب باشید کج نشود.

حماد لحم گوید: قطار شتری بر امام صادق (ع) گذشت. حضرت دید بار شتر کج شده است؛ فرمود: *یا غلام اعدل علی هذا الجمل ان الله یحب العدل؛* «ای غلام (پسر) با این شتر به عدالت رفتار کن (یا بار را بر شتر استوار ساز) که خداوند عدل را دوست دارد».

از جمله دستوره‌های امیرالمؤمنین به مأمور دریافت مالیات جانداران این است که: «... [مأمور] آنقدر پشت حیوان سوار نشود که حیوان به مشقت بیفتد؛ لذا باید برای سوار شدن از همه آن حیوانات با عدالت بهره‌برداری کند... اگر حیوانی خسته و درمانده باشد، باید برای آن حیوان آسایش بدهد... و در هر چند ساعت مناسب آنها را برای استراحت رها کند...» (شهبی، ۱۳۷۴، ص ۲۸۶).

د- نهی از اذیت و آزار حیوانات: همان طور که قبلاً هم اشاره کردیم، قرآن به وجود شعور و درک در حیوانات معتقد است؛ به همین جهت اسلام علاوه بر نهی آزار و اذیت جسمی حیوانات، از آزار روحی آنها نیز به شدت نهی نموده است. از جمله مواردی که در احادیث و روایات در این زمینه به چشم می‌خورد، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱- نهی از لعن کردن و زدن حیوان امیرالمؤمنین فرموده است: «خدا لعنت کننده کسی است که حیوان را لعنت کند».

همچنین، دشنام و لعنت به حیوان و زدن به صورت آن ممنوع است. *لا تضر بوا الدواب علی وجوهها فانها تسبح بحمدالله؛* «به صورت حیوانات نزدیک که همانا آنها پروردگارشان را تسبیح می‌کنند» (جعفری، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۱۸).

همچنین نقل است امام چهارم با شتری بیست بار (برخی گفته‌اند چهل بار) به زیارت خانه خدا رفتند و تازیانه‌ای به حیوان زدند. از وصایای امام چهارم به

فرزند عزیزش امام باقر آن است که: «فرزند، من با این شتر بسیار حج نموده‌ام و یک تازیانه به او زده‌ام، آن گاه که این شتر بمیرد، دفنش کن تا درندگان گوشت او را نخورند».

در سفر حج ناقه امام علی بن الحسین (علیه السلام) سکندری خورد، حضرت تازیانه را بلند نمود، اما بر حیوان نزد و فرمود: «اگر قصاص نبود، تازیانه‌ام را می‌زدم». این امر به خوبی نشان می‌دهد که انسان به خاطر زدن حیوان به ناحق مؤاخذه می‌شود (فریدونی، بی‌تا، ص ۱۵۸).

۲- نهی از ذبح حیوانی در مقابل حیوان دیگر

جایز نیست حیوانی را در مقابل حیوان دیگری که او را می‌بیند ذبح کنند (حلی، ۱۴۱۱ هـ، ج ۳، ص ۹۱۴).

امام علی (علیه السلام) فرموده است: «گوسفندی را نزد گوسفند دیگر ذبح نکنید».

۳- نهی از جدا کردن بچه حیوان از مادرش

از جمله دستوراتی که امیرالمؤمنین (علیه السلام) به متصدیان دریافت مالیات جانداران فرموده، این است که: «[مأمور] میان شتر و بچه او جدایی نیندازد...» (شهیدی، ۱۳۷۴، ص ۲۸۶).

تردید نیست در اینکه مثال شتر و بچه‌اش به عنوان مصداق است و با در نظر گرفتن علت، حکم شامل همه مادران و بچه‌های حیوانات می‌شود. «شکار جوجه پرندگان در آشیانه مادامی که به پرواز در نیامده است، حرام است زیرا جوجه در آشیانه در پناه خدا است» (جعفری، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۸). به طور کلی در کتب فقهی، برداشت جوجه پرنده‌ها از آشیانه مکروه اعلام شده است (حلی، ۱۴۱۱ هـ، ج ۳، ص ۹۱؛ طوسی، ۱۳۴۳، ج ۲، ص ۵۹۴).

۴- نهی از خشونت و اجحاف

امیرالمؤمنین (علیه السلام) به متصدی دریافت مالیات جانداران فرمود: «کسی را برای تحویل گرفتن و آوردن حیوان وکیل کن که خشونت نداشته باشد و اجحاف و تعدی بر حیوان ننماید و آنها را درمانده و خسته نکند... و با حیوانی که سم او شکافته یا در حرکت و راه رفتن خود را می‌کشد، ملایمت کند» (شهیدی، ۱۳۷۴، ص ۲۸۴).

سکونی از امام ششم نقل می‌کند که از جمله حقوق حیوان بر صاحبش این

است که: «حیوان را داغ نکند و بر صورتش نزند...».

عبدالله بن جعفر گوید: حضرت رسول به خانه یکی از انصار داخل شد. شتری را مضطرب دید. حضرت نزد آن شتر آمد و کوهان شتر را دست مالید و نوازشش کرد تا آرام گرفت. سپس فرمود صاحب شتر کیست؟ جوانی نزد حضرت آمد و عرضه داشت من صاحب شترم. حضرت فرمود آیا از خداوند درباره این حیوان نمی‌ترسی؟ خداوند ترا مالک این حیوان قرار داده، سیرش نمی‌کنی و شکنجه‌اش می‌داری؟

همچنین نقل شده که پیامبر اکرم (ﷺ) با یارانش از حرم گذر می‌فرمود. آهویی خوابیده بود. حضرت یک نفر را حافظ او قرار داد تا آن حیوان را ترسانند و آزارش ندهند. (فریونی، بی تا، ص ۲۲۹).

۵- نهی از ویران کردن پناهگاه و لانه حیوانات

از جمله نفقه‌های حیوان که بر صاحبش واجب است تهیه پناهگاه و لانه است. لانه یا پناهگاه محل آسایش هر جاندار است ویرانی آن باعث آزار روحی و جسمی وی می‌شود. علاوه بر احادیث و روایاتی که در زمینه نهی از خراب کردن لانه حیوانات وجود دارد، در کتب فقهی هم به این مسأله پرداخته شده است:

از ادرار در لانه‌های خزندگان و در آب نهی شده است. شهید در لمعه ضمن بیان این مطلب، علت نهی از این کار را نیز بیان می‌کند: «یکره البوا، قائما ومطحا به فی الهواء والنهی عنه وفي الماء جاریا وراکدا للتعلیل فی اخبار نهی بان الماء اهلا فلاتؤنوم». (همو).

جای شگفتی است که اسلام حتی به ریزترین موجوداتی که در هوا و آب هستند و حتی دیده نمی‌شوند، توجه دارد و راضی به آزار آنها نیست.

در سیره ائمه و پیامبر اکرم (ﷺ) بسیار آمده که در خانه خود پرندگانه‌ها و به آنها رسیدگی می‌کردند؛ از جمله:

زید گوید در محضر امام صادق (ﷺ) راجع به کبوتر صحبت داشتم. حضرت فرمود: در خانه خود نگهدارید چه، کبوتر دوست داشتنی است و با حضرت نوح هم کشتی بوده و مأنوس‌ترین پرنده در خانه است (کلینی، بی تا، ج ۶، ص ۵۴۱).

ابان از امام ششم (ﷺ) روایت می‌کند که حضرت فرمود: در خانه رسول اکرم (ﷺ) یک جفت کبوتر سرخ بود (کلینی، بی تا، ج ۶، ص ۵۴۱).

۶- نواهی در مورد شکار و ذبح

شکار در اسلام آداب و دستورهای مفصلی دارد و در کتب فقهی، احادیث و روایات مباحثی هم چون حرمت شکار در حال احرام، زمان شکار، وسیله شکار، ضرورت شکار و... را به خود اختصاص داده است. در اکثر این روایات و دستورها رعایت حقوق حیوانات به خوبی دیده می‌شود؛ از جمله:

الف- صید یا ذبح حیوان در شب: در کتب فقهی صید حیوانات وحشی و پرندگان یا ذبح حیوانات در شب مکروه اعلام شده است، مگر هنگامی که ضرورت اقتضا کند (طوسی، ۱۳۴۳، ج ۲، ص ۵۹۴). شاید فلسفه کراهت که در آیات متعددی از قرآن هم بیان شده، این باشد که خداوند شب را مایه آرامش و استراحت قرار داده است، لذا به هم خوردن آسایش و آرامش هیچ موجودی حتی حیوانات در شب روا نخواهد بود.

ب - وسیله صید: در مورد وسیله صید و ذبح نیز دستورهایی هم چون برنده بودن وسیله (برای آزار ندیدن حیوان)، نهی از قطع و بریدن و مثله کردن اندامی از حیوان قبل از ذبح، متناسب بودن وسیله صید با شکار و... دیده می‌شود. از جمله اینکه ذبح کردن باید با وسیله آهنی تیز باشد و گرنه جایز نیست مگر در هنگام ضرورت که آن هم باید سعی شود وسیله حتی الامکان تیز و برنده باشد (حرعاملی، ۱۴۰۳ هـ ج ۱، ص ۳۶۱).

ج - ضرورت شکار: در احادیث آمده است که شکار حیوانات برای تفریح و بدون احتیاج حرام است (ممو، ج ۱۶، ص ۲۴۱). به همین جهت کسی که برای تفریح به شکار می‌رود، سفرش معصیت است و باید نماز را در این سفر تمام بخواند.

د - حرمت شکار جوجه: پرندگان در آشیانه مادامی که به پرواز در نیامده است، حرام است؛ زیرا جوجه در آشیانه در پناه خداست (اسلامی، بی تا، ج ۲، ص ۲۱۳ و ۲۰۵).

هـ - حرمت شکار در حال احرام: در کتب فقهی می‌خوانیم که از «محرمات احرام، شکار صحراست، از حیث شکار نمودن و خوردن ولو اینکه کسی که محرم نیست آن را شکار کرده باشد. و نیز اشاره کردن و راهنمایی نمودن و بستن و سر بریدن و از جهت جوجه و تخم. پس اگر آن را سر ببرد، بنا بر مشهور می‌تواند می‌شود و این احوط است و پرنده‌ها حتی ملخ در حکم شکار صحرای می‌باشند.

احتیاط آن است که کشتن زنبور و مورچه در صورتی که قصد اذیت او را ندارند، ترک شود و کشتن جانورانی که در بدن سکونت می‌گزینند از قبیل شپش و کک و مانند اینها و همچنین است حیواناتی که در بدن دیگر حیوانات می‌باشند و انداختن آنها از بدن و انتقال دادن آنها از جایشان به جایی که از آن می‌افتد جایز نیست بلکه احتیاط آن است که آنها را به جایی که در معرض سقوط می‌باشند، نیز انتقال ندهد... (اسلامی، بی‌تاریخ، ص ۲۱۳ و ۲۰۵).

فلسفه تحریم صید در حال احرام

در فلسفه تحریم صید در حال احرام آمده است که در مراسم حج و عمره انسان به یک نوع ریاضت مشروع الهی دست می‌زند و به نظر می‌رسد که تحریم صید در حال احرام بهمین منظور است. از این گذشته با توجه به این اگر صید کردن برای زوار خانه خدا کار مشروعی بود این همه رفت و آمدی که هر سال به این سرزمینهای مقدس می‌شود، نسل بسیاری از حیوانات در آن منطقه که به حکم خشکی و کم آبی حیواناتش نیز کم است، برچیده می‌شد و این دستور نوعی حفاظت و ضمانت برای بقای نسل حیوانات آن منطقه است. مخصوصاً با توجه به اینکه در غیر حال احرام نیز صید حرام و هم چنین کندن درختان و گیاهان آن جا ممنوع است. روشن می‌شود که این دستور ارتباط نزدیکی با مسأله حفظ محیط زیست و نگهداری گیاهان و حیوانات آن منطقه از نابودی و فنا دارد. این حکم به قدری دقیق تشریح شده که حتی کمک کردن و نشان دادن و ارائه صید به صیاد نیز تحریم گردیده است (شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۵، ص ۸۱).

اسلام احکام شکار را به طور یقین تشریح نموده است و سیره ائمه هم نشان می‌دهد که به طور کلی شکار و صید حیوانات از نظر ایشان چندان مطلوب و پسندیده نبوده و آن را موجب سیاهی قلب می‌دانستند.

نهی از آزار حیوانات و رعایت حقوق آنان در احادیث و روایات بسیار مفصل و دقیق است و حتی کوچکترین مسائل از نظر دور نمانده است به طوری که در حدیث آمده است: سزاوار است کسی که شیر را می‌دوشد، ناخن‌های انگشتان را

بگیرد تا حیوان اذیت نشود. ذکر همین مقدار نشانگر اهمیتی است که اسلام به حقوق حیوانات داده است.

غیب گویی با توجه به رفتار حیوانات

بشر همواره به سرنوشت خود علاقه‌مند بود و وسیله‌ای می‌جست تا از آن خبری یابد. لذا در این راه به همه چیز اعم از ستارگان، زمین، رؤیا و حتی پرندگان و حیوانات توجه کرده و با آنها فال گرفته و غیب گویی کرده است. در این راه برای پیش‌بینی سیر بیماری و درمان نیز از درون و بیرون حیوانات یاری می‌گرفته است. گاه این پیشگوئی‌ها منجر به حوادث ناگوار و آزار و اذیت حیوانات هم می‌شده است.

فال‌گیری از روی رفتار حیوانات، خطوط شانه گوسفند، دیدن دل و جگر حیوانات یا نگرستن پرواز طیور و... صورت می‌گرفت (تاج بخش، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۱۷۵). مسلماً چگونگی پرواز پرندگان، جگر یا نشانه حیوانات و غیره به هیچ وجه تأثیری در اطلاع از آینده ندارد و اگر گاهی پیشگویی به حقیقت پیوسته است، یا برحسب تصادف بوده و یا توان نفسانی و قوه واهمه ناشناخته گوینده است که نکته‌ای را بیان کرده و بعداً مصداق حقیقی پیدا کرده است.

پیشگویی در میان اعراب و ایرانیان به شدت رواج داشت. به قول جرجی زیدان اعراب پس از اسلام نیز همانند سایر ملت‌های معاصر از چنگ کهان و عرافه یعنی غیب‌گویی از گذشته و آینده و فال‌گیری از آهنگ پرواز پرندگان رهایی نیافتند.

در قرآن مجید، آیات متعددی در مورد تطیر و بیهودگی آن دیده می‌شود؛ از جمله آیه ۱۳۱ اعراف، آیه ۴۷ نمل و ۱۸ و ۱۹ یس. در سوره مبارکه یس چنین آمده است:

قالوا انا تطیرنا بکم لئن لم تنتهوا لنرجمنکم و لنمسنکم منا عذاب الیم. قالوا طائرکم معکم انتم ذکرتم بل انتم قوم مسرفون؛ «گفتند: ما شما را به فال بد گرفته‌ایم، وجود شما شوم و مایه بدبختی شهر و دیار ماست. اگر از این سخنان دست بر ندارید، مسلماً شما را سنگسار خواهیم کرد و مجازات دردناکی از ما به شما خواهد رسید. (رسولان

گفتند) شومی شما از خود شماست و اگر درست بیندیشید به این حقیقت واقف خواهید شد. شما گروهی اسرافکار و متجاوزید».

«تطیر» به معنای فال بد زدن است و ریشه اصلی کلمه «طیر» به معنای پرند می‌باشد. عرب، فال بد را غالباً به وسیله پرندگان می‌زد، مثلاً گاهی صدا کردن کلاغ را به فال بد می‌گرفت و گاهی پریدن پرندۀ ای را از دست چپ نشانه تیره روزی می‌پنداشت (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۶، ص ۲۱۶).

آل فرعون هرگاه دچار ناراحتی و مشکلی می‌شدند فوراً به موسی (علیه السلام) و پیروانش نسبت می‌دادند و می‌گفتند این از شر قدم اینها است» (اعراف، ۱۳۱). این طرز فکر مخصوص فرعونیان نبود، قرآن مجید می‌گوید دشمنان پیامبر اسلام (ص) نیز در برابر او چنین منطقی داشتند (نساء، ۷۸) و در جای دیگری می‌گوید انسانهای منحرف چنین هستند (فصلت، ۵۰).

همان‌طور که گفتیم فال نیک و بد در میان انسان‌ها و اقوام مختلف رواج داشت این امر اثر طبیعی ندارد اما بی‌تردید اثر روانی می‌تواند داشته باشد، فال نیک غالباً مایه امیدواری و حرکت، و فال بد موجب یأس و نومیدی است. شاید به همین دلیل است که در روایات اسلامی از فال نیک نهی نشده، اما فال بد به شدت محکوم گردیده است. در حدیث معروفی از پیامبر (ص) نقل شده: **تفالوا بالخیر تجدوه؛** «کارها را به فال نیک بنگرید تا به آن برسید» در مورد فال بد که شدیداً مذمت شده از پیامبر (ص) نقل شده است: **«الطیره شرک»** فال بد زدن یک نوع شرک به خداست.

از امام صادق (علیه السلام) در مورد اثر فال چنین آمده است **الطیره علی ما تجملها، ان تهونتها تهونته، وان شدتها، تشددت وان لم تجملها شیئا لم تکن شیئا؛** «و فال بد اثرش به همان اندازه است که آن را می‌پذیری، اگر آن را سبک بگیری کم اثر خواهد بود و اگر آنرا محکم بگیری پر اثر و اگر به آن اعتنا نکنی هیچ اثری نخواهد داشت» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۶، ص ۲۱۸ - ۲۱۹).

نهی مسابقاتی که منافی حقوق حیوانات باشند

تفریح با حیوانات همواره مورد توجه بشر بوده است. اسلام همان طور که تفریحات و مسابقات سالمی مثل اسب دوانی و شتر سواری را تشویق و حتی شرط بندی بر سر آنها را مجاز شمرده از تفریحاتی که باعث تضییع حقوق حیوانات می شود، به شدت نهی کرده است.

در عصر جاهلیت بعضی افراد در کشتن شترهای خویش با یکدیگر مسابقه می گذاشتند و هر کس تعداد بیشتری از شترهای خود را می کشت، غلبه و پیروزی از آن وی بود. این عمل را معافه می خواندند. در کتب لغت عقر به معنای قطع کردن پای حیوان است و وجه تسمیه کشتن شترها و معافه این بود که اول یکی از چهارپای را با ضربه شمشیر قطع می نمودند و چون به زمین می افتاد، نحرش می کردند. گویی قطع پای شتر پیش از کشتن یکی از شرایط این مسابقه بود و این خود نمونه واضح آزار و اذیت حیوان پیش از قربانی کردن بود. ریشه روانی این عمل، خود خواهی، تفوق طلبی، ریاکاری و فخر فروشی بود. مسابقه دهندگان گوشت شترهای نحر شده را به رایگان در اختیار عموم می گذاردند، و در واقع با این بذل و بخشش به کار خلاف اخلاق خود لباس فتوت و انفاق می پوشاندند و عمل قبیح خود را زیبا نشان می دادند. پیامبر (ﷺ) این مسابقه خلاف اخلاق را ممنوع کرد و جنبه انفاق و احسان آن را نادیده گرفت و پیروان خود را از چنین رقابت جاهلانه و زیانباری که مایه فساد اجتماعی و کینه توزی بود، بر حذر داشت. به علاوه از قطع کردن پای حیوانات زنده که یک عمل غیر انسانی و از رسوم قبیح دوره جاهلیت بود، نهی فرموده آن را غیر مشروع اعلام کرد (فلسفی، ۱۳۹۷، ج ۲، ص ۲۰۱).

در لسان العرب آمده است: «فی الحدیث لا عقر فی الاسلام. ان النبی (ﷺ) نهی عن معافه الاعراب» (همو). از دیگر تفریحات مرسوم در زمان جاهلیت که هنوز هم در جوامع و ملل گوناگون دیده می شود، مسابقه از طریق به جنگ انداختن حیوانات بود. طرفین مسابقه دو حیوان نظیر خروس یا سگ را وادار به جنگیدن با هم می کردند و هر حیوان که می برد، آن طرف برنده محسوب می شد و تماشاچیان هم بر سر برد و باخت آنها شرط بندی می کردند. پیامبر (ﷺ) این کار غیر انسانی را به شدت نهی و قدغن نمودند.

نهی رسول الله (ﷺ) عن تجریش البهائم؛ «پیامبر (ﷺ) از اینکه حیوانات را وادارند که با هم بجنگند و زور آزمایی کنند نهی فرمود.»
از امام ششم (علیه السلام) در مورد جنگ انداختن میان دو حیوان می پرسند. **فتاوی کله مکروه؛** «تمام اینها را مکروه می دانم.»
خداوند لعنت کند کسی را که یال و دم اسب را که وسیله دفاع اوست، قطع کند. همچنین در «وسایل الشیعه» آمده است شکار حیوانات برای تفریح و بدون احتیاج حرام است. بنابراین سفر کسی که برای تفریح به شکار می رود، سفر معصیت بوده و باید نمازش را تمام بخواند (حر عاملی، ۱۴۰۳ هـ ج ۱، ص ۳۶۱). ادامه این بحث در تاریخ ایران و در حقوق بین الملل به نوشتار بعدی موکول گردیده است.



منابع و مأخذ

- ✓ قرآن الکریم
- ✓ نهج البلاغه
- ✓ امیری، فاطمه، زیست شناسی پایه، تهران، انتشارات پیک دبیران، چاپ اول، ۱۳۷۹

- ✓ تاج بخش، حسن، *تاریخ دامپزشکی و پزشکی ایران*، تهران، انتشارات سازمان دامپزشکی کشور با همکاری دانشگاه تهران، ۱۳۸۲
- ✓ جعفری، محمد تقی، *رسائل فقهی*، بی‌جا، مؤسسه نشر کرامت، ۱۳۷۷
- ✓ حجتی اشرفی، غلامرضا، *مجموعه کامل قوانین و مقررات جزایی*، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ ۲۱، ۱۳۷۷
- ✓ حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، بیروت، دار احیاء لثراث العربی، چاپ پنجم، ۱۴۰۲ هـ
- ✓ حلی، ابوالقاسم، *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، بیروت، دارالاضواء، ۶۰۲ هـ
- ✓ حلی، محمد ابن ادريس، *کتاب السرائر حاوی لتحریر الفتاوی*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۱ هـ
- ✓ سیوری، فاضل مقداد، *التنقیح الرائع لمختصر الشرایع*، قم، نشر کتابخانه آیت الله مرعشی، چاپ اول، ۱۴۰۴ هـ
- ✓ شوالیه، ژان - گبران، آلن، *فرهنگ نمادها*، ترجمه: سودابه فضائی، تهران، انتشارات جیحون، چاپ اول، ۱۳۷۸
- ✓ شهیدی، سید جعفر، *ترجمه نهج البلاغه*، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ هفتم، ۱۳۷۴
- ✓ طباطبایی، محمد حسین، *تفسیر المیزان*، تهران، دفتر انتشارات اسلامی، بی تا
- ✓ طوسی، محمد، *النهاییه فی مجرد الفقه و الفتاوی*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۳
- ✓ فریدونی، حسین، «*بررسی حقوق حیوانات در اسلام و قوانین روز*»، پایان نامه دکترای دانشگاه تهران، بی تا
- ✓ فلسفی، محمد تقی، *گفتار فلسفی اخلاق از نظر همزیستی و ارزش‌های انسانی*، هیات نشر معارف اسلامی، ۱۳۹۷
- ✓ کزازی، میر جلال الدین، *از گونه‌ای دیگر جستارهایی در فرهنگ و ادب ایران*، نشر مرکز، چاپ اول، ۱۳۶۸
- ✓ موسوی خمینی، *تحریر الوسیله*، ترجمه: علی اسلامی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، بی تا

- ✓ مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران، انتشارات دار الکتب الاسلامیه
چاپ ۱۸، ۱۳۸۰
- ✓ نائینی، علیرضا، ربانی، محمد، *حقوق حیوانات از دیدگاه قرآن و احادیث*،
فصلنامه علمی پژوهشی دانشور، سال هفتم، دانشگاه شاهد، ۱۳۷۸
- ✓ نجفی، محمد حسن، *جواهر الکلام فی مسائل الحلال و الحرام*، بیروت، دار
احیا، التراث العربی، چاپ هفتم، بی تا



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی